

استعفای خاتمی

اخیراً در محافل هیئت حاکم مسئله استعفای خاتمی بر سر زبانه افتاده است.

بدیهی است که خواست استعفای خاتمی، به ویژه پس از تیر ماه ۱۳۷۸ که باند اصلاح طلب رژیم به رهبری خاتمی همراه با باند اقتدارگرا به سرکوب جنبش دانشجویی دامن زد، یکی از خواست های جنبش دانشجویی و گرایش ها و افرادی که از سیاست های اصلاح طلبان رژیم گسست کردند، بوده است. اما امروز، خواست «استعفا»ی خاتمی از مصدر قدرت؛ توسط باندهای مختلف هیئت حاکم با خواست فعالان جنبش دانشجویی متفاوت است.

خواست استعفای خاتمی در هفته های پیش هم از جانب طرفداران سابق وی (مانند سروش و کدیور) و هم گرایش «راست» طرح شده است. اگر هدف سروش ها و کدیور ها از طرح استعفا خاتمی حفظ آبروی از میان رفته «اصلاح طلبان» باشد؛ رفسنجانی ها هدف دیگری را دنبال می کنند.

رفسنجانی در صدر باند اصلی هیئت حاکم دیگر نیازی به خاتمی برای مراودات با دول اروپایی و آمریکا ندارد. نقش خاتمی به عنوان یک مهره بی اراده برای گمراه کردن جنبش ضد استبداد به پایان رسیده است. رفسنجانی که خود را برای دوره بعد ریاست جمهوری آماده می کند؛ قصد دارد مستقیماً با دولت آمریکا ارتباط بگیرد.

بر این اساس بلافاصله پس از اشغال عراق توسط ارتش آمریکا؛ در فصلنامه راهبرد که از سوی مرکز تحقیقات استراتژیک وابسته به مجمع تشخیص مصلحت نظام ایران منتشر می شود، مصاحبه ای ۲۴ صفحه ای به چاپ رساند که وی در آن به نقش «مجمع» در حل مشکلات میان ایران و آمریکا پرداخته و ذکر کرد که «ما به عنوان مسلمان هیچ مشکلی نداریم که هریک از مسائل خارجی را که گریبانگیر ماست حل کنیم ... ما اصلی در اسلام داریم و آن تقدم مصلحت اقوا بر مصلحت ضعیف است ... اصلاً مجمع تشخیص مصلحت از این خاستگاه به وجود آمده است.» وی به نظریه خمینی اشاره کرده که گفته بود نماز و روزه را هم می توان به خاطر مصلحت نظام تعطیل کرد و گفته است: «اینکه بیاییم کشورمان را به خطر بیندازیم و خیال کنیم داریم اسلامی عمل می کنیم، اسلامی نیست.»

وی در این مصاحبه اذعان کرد که دستگاه سیاست خارجی ایران به دلیل کم تجربگی دست اندرکارانش در موارد زیادی فرصت هایی را از دست داده، اما اکنون به شرایطی رسیده است که مسائل سیاسی دنیا را می فهمد و می تواند تجزیه و تحلیل کند. وی برای نخستین بار از «همه پرس» به عنوان یکی از راههای حل مشکلات میان ایران و آمریکا یاد کرد.

رفسنجانی که پس از دوران ریاست جمهوری به مداخلات پشت پرده از طریق ریاست «مجمع تشخیص مصلحت نظام» دامن زده بود، امروز با حضور علنی خود به دولت آمریکا ندا می دهد که چنانچه قصد «اصلاحات» (بخوانید وابستگی اقتصادی و سیاسی به آمریکا) را در سر می پروراند، بایستی با رفسنجانی (رئیس جمهور سابق و طراح سیاست «تعدیل اقتصادی» و «اصلاح طلبی» و مرد قدرتمند رژیم که «رهبر انقلاب» را نیز تحت کنترل خود دارد) وارد معامله شود و نه امثال خاتمی و سایرین. امروز به وضوح دیده می شود که سران جمهوری اسلامی برای «خوش رقصی» برای دولت بوش با هم وارد رقابت آشکار شده اند. دعوا حول مسئله رفتاردوم نیز یکی از این موارد است. از منظر رفسنجانی ها امروز دیگر جایی برای خاتمی ها وجود ندارد و آنها باید «بروند»!

از سوی دیگر، دولت آمریکا متکی بر سیاست های دوره اخیر در راستای حل بحران عمیق اقتصادی آمریکا و باز گذاشتن دستهای نظامی صیهونیستی اسرائیل در منطقه، نیاز به سرسپردگانی دارد که منطقه را مجدداً به مخاطره و ناامنی (برای سرمایه گذاران) نیاندازند. راه حل حکومتی امپریالیزم آمریکا در افغانستان، حامد کارزای (یکی از افراد شناخته شده افغانی؛ خادم شرکت های نفتی و مرتبط با سیا) و در عراق احمد چلبی (بانکدار شناخته شده متقلب؛ که سالها در خارج از عراق زیر سایه سیا بسر برده) بوده است. بدیهی است که در

ایران (و سوریه) نیز دولت آمریکا چنین انتظاری دارد. دولت آمریکا تا زمانی که دولت و سران رژیم ایران این نکته محوری را درک کنند، اختلافی با آنها نداشته و ضرورتی برای حمله نظامی نخواهد دید. بوش سال پیش رسماً اعلام کرد که چنانچه رژیمی «معتدل» در ایران مستقر گردد «دوستی بهتر از آمریکا پیدا نخواهد کرد»! بنا بر گزارش روزنامه «یو اس ای تودی»؛ نماینده آقای بوش خلیزاد با سران رژیم تا اواسط ماه مه ۲۰۰۳ مشغول مذاکره بر سر مسایل افغانستان، شیعیان عراق و آینده ایران بوده است.

تجربه حضور نظامی آمریکا در افغانستان و عراق نشان داد که مردم ستمدیده ایران بایستی به دنبال راه حل های خود باشند. سران رژیم بورژوازی ایران همه برای حفظ منافع سرمایه داران ایرانی در صدد معامله با دولت آمریکا هستند.

مردم ایران و در صدر آنها طبقه کارگر برای حفظ منافع خود بایستی در صدد سازماندهی مستقل خود از رژیم و همه جناح های آن بوده و در انتظار تحولات و اقدامات سازمان بین المللی کار (آی ال او) نمانند. ایجاد صف های مستقل برای ایجاد تشکل های مستقل کارگری، زنان، جوانان و ملیت های تحت ستم تنها راه برای کسب آزادی و دمکراسی در ایران است. همانطور که در عراق نشان داده شد، دولت آمریکا به منظور منافع خود به منطقه وارد شده و دولت های دست نشانده سرمایه داری منطقه نیز به آن تمکین خواهند کرد. از اینرو مبارزات ضد سرمایه داری کارگران با مبارزات ضد امپریالیستی آنان بیش از پیش بهم پیوند خورده است.

جهت گیری اخیر دول اروپایی نسبت به ایران و گشایش دفتر سازمان بین المللی کار در ایران در ماه آینده؛ زمینه هایی برای دخالتگری در جنبش بلقوه توده ای کارگری را فراهم می آورد. تقویت صف مستقل کارگری در درون جنبش کارگری، به یکی از مسایل محوری سوسیالیست های انقلابی مبدل می گردد.

هیئت تحریریه

اتحادیه سوسیالیست های انقلابی ایران

۶ مرداد ۱۳۸۲

برای مطالعه سایر مقالات رجوع شود به سایت:

<http://www.kargar.org>